قلعهٔ جمهور

یا دژ بذ

جایگاه بابک خرّم دین

بقلم

کام بخش فرد

توضیح

همزمان با انتشار مقالهٔ **«خرمدینان و قیام بابک.....»** که بقلم محقق دانشمند آقای عباس پرویز در شمارهٔ ۱ و ۲ مجلهٔ بررسی‌های تاریخی بچاپ رسیده بود، خبر کشف قلعهٔ و جایگاه بابک خرمی در آذربایجان، در صفحات روز نامه های فارسی منتشر گردید و چون دیگر درج اطلاعاتی در آن زمینه برای مجله مقدور نمی‌بود. از وزارت فرهنگ و هنر خواهش شد هیأت اکتشاف و حفاری قلعهٔ بابک مقاله‌ای حاوی جامعترین اطلاعات در مورد دژ مزبور و چگونگی کشف آن برای درج در شمارهٔ بعدی مجله بررسی‌های تاریخی تنظیم و ارسال دارند :

اینک مقالهٔ حاضر براثر همکاری وزارت فرهنگ و هنر بقلم فاضل ارجمند آقای **کام بخش فرد «رئیس هیأت بررسی و حفاری ادارهٔ کل باستان‌شناسی در آذربایجان شرقی»** که کشف و حفاریهای قلعه بابک خرم دینی زیر نظر مستقیم و راهنمائی هـای شخص ایشان صورت گرفته است از نظر خوانندگان میگذرد .

مجلهٔ بررسی های تاریخی ضمن سپاسگزاری از وزارت فرهنگ و هنر از این همکاری و همچنین تشکر از آقای کامبخش فرد بسیار خشنود است این کشف و تحقیق مهم که مربوط به پرارزشترین و عمیق‌ترین ادوار تاریخ ایران یعنی دورهٔ نهضتهای آزادی خواهی و مبارزات میهن پرستانهٔ ایرانیان علیه خلفا و دست نشاندگان ایشان است، بدست محققان و دانشمندان ایرانی صورت گرفته است

و امید است کاوش و کشف بقیهٔ آثار تاریخی و گذشتهٔ درخشان ایران هم، چنانکه آرزوی هر ایرانیست، بدست خود ایرانیان بمرحلهٔ عمل درآید.

بررسی های تاریخی

قلعهٔ جمهور یا دژ بذ

جایگاه بابک خرم دینی

موقعیت جغرافیائی

قلعه جمهور[1] در ۵۰ کیلومتری شمال شهرستان اهر ودر ارتفاعات غربی شعبه‌ای‌ازرودبزرگ **قره‌سو** ودر۸ کیلومتری‌جنوب‌غربی **کلیبر**[2] واقع‌است. امروزه کلیبر یکی ازبخشهای معتبر شهرستان اهر است وسابق بر این اهر و کلیبر هر دو از قصبات **مشکین**[3] بوده‌اند.

در باب « تومان[4] مشکین » درنزهت‌القلوب چنین آمده است:

« در این تومان هفت شهر است : **مشکین و خیاو و اناد[5] و اهرو**

۱ــ نام جمهور احتمالا ماخوذ از کوههای جمهور بایستی باشد . ارتفاعات شهرستان اهرباستناد فرهنگ جغرافیائی ارتش (جلد۳و۴) بقرارزیراست:

درقسمت جنوب خاوری این شهرستان کوه‌سبلان بارتفاع ۴۳۰۰ مترازبهترین‌ییلاقات ایل مغان است ودرامتداد آن بطرف باختری کوههای قوشــه داغ وکویچه بیل‌وآغ داغ وپیرسقاء که درجنوب‌واقع‌شده وکوه جلاداغ درجنوب‌باختری وعموما درفصل‌تابستان ییلاق ایل‌حاج علیلو وقره‌خانلو میباشد وکوه شیورواقع‌در شمال اهر وکوه بزرگی وهشت‌سر در شمال شرقی این شهرستان قرارگرفته و کوههای جمهور وکامتال ازکوههای معروف منطقــه قره داغ میباشد. رویهمرفته شهرستان اهرمنطقه کوهستــانی‌است .

۲ ـ بفتح اول‌وکسر دوم وفتح‌چهارم ــ حدود کلیبر: از شمال برودخانه ارس وبخش خدا آفرین وازجنوب ببخش مرکزی اهر واز خاور به‌بخش هوراند ورودخانه «درآورد» و از باختر به بخش ورزقان محدود میباشد . (فرهنگ جغرافیائی ارتش ۳و۴) .

۳ـ دربرخی از نسخ نزهت‌القلوب : پیشکین

۴ـ تومان یاتومن، قصبه‌ای راگویند که صدپاره ده تابع‌آن‌باشد (برهان قاطع ـ فرهنگ نفیسی)

۵ــبه ضم الف ـ درنزهت‌القلوب : انار ص۹۵ چاپ‌دکتردبیر سیاقی

و تکلفه و کلیبر[۶] »رودخانه مرزی ارس تقریبا ازسی کیلو متری شمال کلیبر میگذرد در شانزده کیلومتری جنوب خاوری آن کوهستان **هشتادسر** ودربخش جنوبی آن کوهستان **خرمایورت** واقع است.(ر. ک به نقشه جغرافیائی)

بنای جمهور مرکب ازقلعه وقصری است برفراز قله کوهستانی بالغ بر ۲۳۰۰ تا ۳۶۰۰ متر بلندتر ازسطح دریا. اطراف این قلعه رااز هرطرف دره‌های عمیقی با ۴۰۰ تا ۶۰۰ متر عمق فرا گرفته است تنها از یکسو باین قله راهی باریك و دراصطلاح «بزرو» وجود دارد. مسافت راه کلیبر بقلعه بااینکه از ۳ کیلومتر تجاوز نمیکند ولی صعب ودشوار است وبهنگام عبور، از گردنه‌ها و کتلها و انبوه جنگلها[۷] بایستی گذر کرد، وبرای مسافر خسته‌ای که نفس زنان وبا رنج فراوان پس از ۳ ساعت کوه پیمائی وبا کوفتگی حاصل از سواری اسب واستر خودرا بپای باروهای استوار این دژمیکشاند وعظمت بنارا با دو چشم می‌بیند وازفراز آن ستیغ، دره‌ها و کوهها وقراء وقصبات را بس حقیر مینگرد، ازرنجی که برده پشیمان نمیشود . (شکل۲)

کیفیت ظاهری بنای جمهور

قبل از اینکه بدروازه قلعه برسیم ازمعبری عبور میکنیم، (نقشه بنای دژ) این معبر بصورت دالانی است که ازسنگهای منظم طبیعی شکل گرفته است. معبر فقط گنجایش عبور یکنفر را دارد ودو نفر بسختی میتوانند از آن بگذرند. فاصله معبر تا باروی قلعه درحدود ۲۰۰/۰ متر و مقابل آن قرار دارد واز همین نقطه است که صعوبت راه وجلال وابهت خاص این قلعه رفیع وموقعیت خیره کننده آن بیننده را

۶ــ نزهت القلوب ص ۹۴ نسخه دبیر سیاقی ـ کلیبر مرکز بخش وهمچنین دهستان کلیبر از شهرستان اهر (شمال اهر) انتهای جاده شوسه اهر به کلیبر واقع است. مختصات جغرافیائی آن عبارتست : طول ۳۰ درجه و ۴۷ دقیقه عرض ۴۶ درجه و ۵ دقیقه و ۳۸ ثانیه اختلاف ساعت با تهران ۱۷ دقیقه و ۳۲ ثانیه. آب ازرودخانه کلیبر ودورشته چشمه ـ محصول غلات و سر درختی و گردو و توت ـ شغل زراعت و گله‌داری و کسب ـ صنایع دستی گلیم جاجیم بافی ـ راه شوسه ـ قلعه خرابه بنام جمهور درباختر این قصبه روی تپه واقعشده است(فرهنگ جغرافیائی ایران جلد ۳و۴).

۷ـ در منطقه ارسباران فقط دردهستانهای کلیبر ـ میشه پاره حسن آباد؛ جنگل وجود دارد که فقط برای تهیه زغال ازآن استفاده میکنند ودرخت صنعتی وجود ندارد (فرهنگ جغرافیائی ایران جلد۳و۴).

دچار حیرت غرورآمیزی مینماید. معبر بدروازه قلعه مینگردوورودهرتازه واردو سپاهی وغیره، کوهبانیه‌ها راکه در دوبرج طرفین دروازه موضع داشته‌اندمتوجه‌میکرده است.[۸]

جایگاه کوهبانیه‌ها در بلندی واقع است و بنا براین بهرچیز وهرکس تسلط کامل داشته‌اند. این‌برجها یکی مخروطی‌و دیگری مدورو استوانه‌ای ازسنگهای تراشیده باملاط ساروج استوارشده‌اند. (شکل ٤)

برای نفوذ بداخل بنابایستی‌حتماً ازدروازه بگذریم واز کوهستان راهی برای ورود وجود ندارد. جهازات جنگی کهن ازقبیل قلعه کوب ، منجنیق ، آتش افکن ونظایرآنرا بدینجا راهی نبوده ونه‌کار گرمیافتاده است.

هنگامی که‌بارو را پشت سرمیگذاریم برای ورود بقصر ازراهی باریك تاحدود یکصد متر ارتفاع ازصخره بایستی صعود کنیم. ازاین گذرگاه فقط یکنفر میتواندپائین‌یا بالا برود وزیراین معبروبر گرداین‌ستیغ ، دره‌ای است باجنگلی‌تنگ‌وژرفائی‌تا ٤٠٠متر که‌بصورت‌تیغه‌ودیواره تاقعردره‌ادامه دارد.

درتکیه گاههای طبیعی این دیواره‌ها ودرچهار جهت بنا، چهار جایگاه برای دیده‌بانها بصورت نیمه استوانه ساخته شده‌اند. اینها مقر کوهبانیه‌هاو سربازانی است که تا گردن خوداستتار کرده وجنبنده را تا کیلومترها دورتر ازفراز کتلها ، دره‌ها و کوهپایه‌هازیرنظرمیگرفته‌اند. پس ازصعود،ازمدخل دیگری‌با پلکانهائی تقریباً نامنظم‌عبورمی کنیم. ابتدا به بنای‌قصر که‌دوطبقه وسه طبقه‌است برمیخوریم.(شکل ه). طرفین‌مدخل‌قصر بوسیله‌دوستون‌کاذب[۹] مشخص شد، است وپس ازآن تالار اصلی است که اطرافآنرا هفت اطاق‌فرا ـ

۸ــ دربررسی‌های تابستان سال جاری درشهرستان اهر ومشکین‌شهر : بنای دیگری مورد تحقیق اینجانب قرارگرفت. این‌بنا، قلعه داغ یا قلعه نودوزاست درگردنه‌نودوز بین جاده مشکین‌شهرـ اهر. باستناد نزهه‌القلوب نودوزماخوذ از، نوذزمیباشد: برفرازستیغی درپیچ گردنه دوبرج استوانه‌ای که بوسیله یك‌دیواره بیکدیگر ارتباط می‌یابندازسنگهای تراشیده وملاط ساروج ساخته شده است. دردوره‌های بعد برروی این‌بنای‌سنگی، باخشت خام تاسیساتی بنا شده‌که باران وبرف‌آنرا بصورت ویرانه درآورده است. مسافرانی که ازاهر به‌مشکین‌شهر گذرمیکنند‌این بنارا برفرازصخره کاملا مشاهده میکنند.

دوبرج مدور واستوانه‌ای قلعه‌جمهور قابل مقایسه بااین قلعه میباشند.

۹ــ ستون کاذب ، نیمه ستونی را القاء میکند که بدیوارتکیه داده است.

گرفته‌است،اطاقهابنالارمرکزی‌مربوط میشوند . در جبهه‌شرقی‌قصر تاسیسات دیگری‌مرکب‌ازاطاقهاوآب‌انبارهاساخته‌شده‌اند. سقف‌آب‌انبارهاباطاق‌جناقی وگهواره‌ای‌استوارشده‌اند. (شکل‌های ٦و٧) محوطه‌داخلی‌آب‌انبارهابوسیله نوعی‌سیمان‌وساروج‌غیرقابل‌نفوذ گردیده‌وبهنگام‌زمستان‌ازبرف‌وباران‌پرشده ودرتابستان وهنگام مضایق ومحاصره‌ها از آب آنها استفاده میشده‌است. در جبهه شمال غربی قصراز پلکانهائی سرتاسری که‌اکنون ویران شده وقسمت ـ هائی ازآن بیرون از خاك است به‌بخش رفیع بنا صعـود می‌کنیم که مدخل آنرا ردیف پلکانها بادوستون‌کاذب مشخص میکنند. درقسمت علیای این‌نیمه ستونها محلی برای دیده‌بانها جایسازی (شکل ۸) شده ومحدودهٔ پس از آن که از چندبخش تشکیل شده احتمالا جایگاه سربازان محافظ بوده که بهمه چیز و همه‌جا تسلط کامل داشته‌اند.

ازهمین جا بوده است‌که **بابك‌خرم‌دین** قهرمان تاریخی ایران وبارانش بمدت بیست وچند سال عساکرعرب را که بقصد محاصره وسرکوب جنبش اوآمده‌بودند درکوهها وکتلها سرگردان کرده وباشبیخونهای خودآنها را از دم تیغ گذرانده وبه‌هزیمت وادارشان کرده واستقلال ایران را در قرون دوم وسوم هجری پایه‌گذاری نموده است. (شکلهای ۹ و۱۰)

ابوعلی‌بلعمی در ترجمه **تاریخ‌طبری** راجـع بمکان بابك مینویسـد :

« مأویگاه او درکوههای ارمنیه وآذربایجان بود ، جایهای سخت دشوار ، که سپاه آنجا در نتوانستی رفتن ، که صد پیاده درگذاری بیستادندی ،اگر صد هزار سوار بودی بازداشتندی و کوهها و در بند ها سخت بود اندریکدیگر شده ، درمیان آن کوهها حصاری کرده بود که آنرا«بذ» خواندندی واوایمن درآنجانشسته‌بودی ، چون‌لشکری‌بیامدی گرداگرد آن کوههافرودآمدندی وبدیشان راه‌نیافتندی و او آنجا همی بود تا روزگار بسیار برآمد چون امن

یافتندی یك‌شبیخون کردندی وخلقی را هلاك کردی
وسپاه اسلام را هزیمت کردی تا دیگر باره‌سلطان
بصد جهد دگـرباره لشکر گرد کردی وبفرستادی
وبدین جملت بیست‌سال بماند و آن مردمان که در
آن کوهها بودند از دهقانان ، همه متابع او بودند
گروهی از تتبع و گروهی‌از بیم ....»

صاحب حبیب‌السیر درباره بابك و یارانش گوید : «پناه بقلاع و مواضع حصین بردند وهرلشکری که مأمون بجنگ‌اوفرستاد منهزم بازآمدند...»

بلحاظ سوق‌الجیشی موقعیت استقرار بنا برفراز قلهٔ بسته،طوریست که بیست نفرسپاهی قادربوده‌اند یك سپاه صد هزار نفری را از پای درآورند و تلفاتی هم نداشته باشند. چه تیرو کمان و اسلحه معمول زمان را بسربازان و مستحفظانی که بر بلندی موضع میگـرفته‌اند بجهت بعد مسافت کارگر نمیافتاده است. بدون اینکه قصد اغراق در بین باشد موقعیت مستحکم قلعه وقصرموصوف، آنچنان‌اعجاب انگیز است که از نبوغ نظامی و بصیرت کامل بنیان‌گذار آن حکایت‌مینمایدوجای آن دارد که ازطرف متخصصان وکار-شناسان ارتش شاهنشاهی ایران بمنظور ضبط وثبت افتخارات ملی و همچنین مطالعه درجنگهای قلعه‌ای موردبررسی قرار گیرد .

بابك خرمدین وسرزمین وی از نظرجغرافیون ومورخان‌تازی‌وپارسی وتطبیق این‌نظرات‌با بنای‌جمهور :

مورخان جایگاه بابك را کوهستان **«بذ»** نام برده‌اند وبعضی **«بذین»** مینویسند :

«بذناحیتی است در میان آذربایجان واران که بابك خرمی در زمان **معتصم** ازآن برخاست»[۱۰]

احمد کسرویدر کتاب **شهریاران گمنام** ازقول **یعقوبی** میگوید:«شهر بذ که سپس بجهت خروج‌بابك خرمی درآنجا، معروف گردید ، در کنار رود

۱۰ ـ معجم‌البلدان

ارس ازاین سوی نهاده بوده‌وا کنون جایگاه درست‌آن‌پیدا نیست». [۱۱]

کسروی اضافه میکند ، « از روی تحقیقی که‌ما کـرده‌ایم [بذ] در خاك «قرجه‌داغ » کنونی» ، در شمال‌و بالا سر شهراهر یا اندکی مایل بشرق نهاده بوده است » [۱۲] جائی را که کسروی ازقول‌خود ویعقوبی ذکر کرده‌باموقعیت فعلی کلیبر تطبیق میکند.

صاحب نزهة‌القلوب درمورد کلیبر میگوید :

« کلیبر قصبه‌ایست‌درمیان‌بیشه‌افتاده و کوهستان‌بزرگ‌وقلعه‌نیکودارد ودر پای‌آن رودی روان است ، هوایش معتدل است و آبش از رود مذکورو حاصلش غله‌و انگورومیوه باشد ومردمش‌از ترک و طـالش‌ممزوج‌اند» [۱۳]

باستنادنزهة القلوب کلیبر بصورتهای : « کلنبه‌ـ کلنبرـ کلین‌ـ کلینیزـ کلبز [۱۴] » نیز آمده است ، کل و کلن و کلان جزء اول این کلمه احتمالا مأخوذاز دهکده‌ایست‌بنام « کلان [۱۵] » ویا « کلان‌وکالان [۱۶] »در بخش‌خاوری وباختری کلیبر .

و یاقوت در باب « کلان روز » معنای آنرا رود بزرگ میداند که در آذربایجان‌نزدیك «بذ . شهر بابك‌است وافشین هنگامیکه با بابك می‌جنگید در آنجا فرود آمد (بابك خرمی تألیف سعید نفیسی) .

محتمل است که این رود نیز منسوب بقریه کلان باشد که یا قوت آنرا « کلانرود » آورده است (بنقشه رجوع فرمائید) . واین کلانرود نزدیك‌شهر بذ بوده است. در باب جنگهای افشین با بابك در کتاب تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز تألیف شاهزاده نادرمیرزا چنین‌آمده‌است: « . . . . . افشین

۱۱ـ بخش‌سوم ص۲٤

۱۲ـ همان کتاب وهمان صفحه

۱۳ ـ ص۹٦

۱٤ ـ Calbaz

۱۵ ـ کلان : دهستان در ۲۱ کیلومتری شمال خاوری کلیبر از قـراء گرمادوز کلیبر است (فرهنگ جغرافیائی ایران)

۱٦ ـ کلان یا کالان ـ دهی‌است از دهستان اوزونـدل‌بخش‌ورزقان اهـر (فرهنگ جغرافیائی ایران) .

ازینوقعه بعزم گشادن بذ از کلان رود با لشکری نامدار بجنبید وبآهستگی همیرفت . معتصم بدو نبشته بود که چون شب آید سواران بترتیب برنشان که همواره فوجی سوار و معد باشند که اگر خرمیان شبیخون آرند دسته بمقاومت ایستند تا سپاه برنشینند ، لشکریان از بسیاری رنج بفریاد آمدند وبافشین گفتند که میان ما و دشمن چهارفرسنگ راه است . . . »[۱۷]

در وقایع سال سیصد وبیست ودو هجری گوید « معتصم جعفرخیاط را با سپاهی بمدد افشین بفرستاد وایتاخ را باسی‌هزار درهم برای نفقات‌لشکر بفرستاد. ایتاخ بیامد، زر بافشین برسانید و بازگشت چون هوا نرم شد و زمستان بگذشت افشین بکلان رود شد آنجا کنده کرده ، بوسعید را نامه کرد که از برزند بروستای کلان‌رود آید که تا معسکر افشین سه‌میل‌بود. افشین بکلانرود شد وپنجرور بماند . . . » [۱۸]

وابن‌الفقیه درکتاب خود در باب برزند گوید : « برزند قریه ای بود و افشین درجنگ با بابك آنجا را لشکرگاه ساخت و دژی ساخت وساختمان کرد » .

با توجه بگفته نادر میرزاوابن الفقیه بین قریه برزند وکلانرود فاصله بسیار نزدیکی در حدود (سه میل) وجود داشته است و امروزه قریه «برزندیق[۱۹]» در ۱۹ کیلومتری جنوب کلیبر واقع است واحتمالا این‌همان «برزندی» است که ابن الفقیه بدان اشاره کرده است .

شواهد دیگری در این سامان موجود است که نشان میدهد محل شهر «بذ»باکلیبر فعلی تطبیق میکند ، ازجمله این‌شواهد یکی ، وجود کوهستان هشتادسر در جبهه شرقی کلیبر است .

نظام‌الملك در سیاستنامه درباب جنگهای محمدبن‌الطوسی سردار سپاه مأمون خلیفه عباسی با بابك مینویسد : « محمدبن حمید جمع کثیری

۱۷ـ صفحه ۲٦

۱۸ـ همان کتاب صفحه ۲۵

۱۹ ـ برزندیق : ده جزء دهستان میشه پاره بخش کلیبر شهرستان اهر در ۱۹ کیلومتری جنوب کلیبر .

سپاهیان داوطلب از شهرهای دیگر برداشت و از راههای تنگ و گردنها گذشت وچون از هر کتلی میگذشت کسانیرا از همـراهان خود درآنجا به پاسبانی می‌گماشت تا اینکه بمحل هشتادسر فرود آمد و خندقی کند و برای ورود بسرزمین بابك باکسان خود رأی زد ».[۲۰]

نادر میرزا در تاریخ تبریز در این باب میگوید : « . . . . بی‌گمانم‌این لشکرکشی محمدبن حمید از جائی است و ناحیتی که اکنون ملکی آباد است و قراچه داغ نامیم ، سراسر کوهسار و بیشه‌های‌انبوه . هم اکنون کـه این‌کوهستان سراسر رساتیق آباد است وبیشتر بیشها بریده‌اند ودرختها از بیخ وبن کنده واز هرسو راهها گشاده اند باز مضایق بسیارو‌راههای ناهموار از جبال راسیات و جنگلهای انبوه بسیار باشد و این هشتاد سر کوهی است سخت‌بناحیه «**یافت**[۲۱]» در این مملکت که‌بومیان بغلط «**هشته‌سر**» گویند و من‌اینملک راسراسر دیده انتهی رجع چون محمد بن حمید بهشتاد سر رسید که تختگاه بابك بدانجا نزدیك بود با دانایان ملك مشاورت کرد که بدانشهرچگونه حملت افکند او رابراهی دلالت‌نمودند. .»[۲۲]

وطبری درباب‌جنگهای‌**بوغـای کبیر**سردارسپاه معتصم بابابك مینویسد: « میان بابك وسپاه بوغای کبیر در سرزمین **هشتاد** سر جنگی درگرفت».

درسطور فوق مذکور افتاد که‌کوهستان هشتادسر و یا بقول فرهنگ جغرافیائی‌ایران«**هشت‌سر**» در شانزده کیلو متری جنوب خاوری کلیبرواقع است وهمچنین شواهد دیگری از قول نویسندگان متقدم واوضاع‌جغرافیائی وطبیعی آن سامان نشان میدهد که محل شهر«بذ»یا«کلیبر» فعلی‌کاملاتطبیق مینماید .

آثار وبقایای دوران اسلامی وشواهد عینی

بمنظور عمران وآبادی درحال حاضر محله‌های قدیمی کلیبر رازیرورو

۲۰- مادر سیاستنامه چنین مطلبی نیافتیم وظاهراً آقای کام‌بخش درضبط‌نام مدرك خود اشتباه کرده‌اند (بررسی‌های تاریخی)

۲۱ - یافت در بخش خاوری کلیبر واقع است .

۲۲- ص۱۹ تاریخ وجغرافیای دارالسلطنه تبریز

میکنند . از گوشه و کنار صدای انفجار باروت که‌سنگها را میترکاند بگوش میرسد . در پای تپه های کناره رود کلیبر که شعبه ایست از قره سو باغات سرسبزی گسترده شده است . بر فراز این تپه‌های بلند هنوز بقایای ابنیه ویران قدیمی وجود دارد . برای تعریض جاده‌ها و تبدیل کویهای قدیمی، گریدرها غرش کنان ازاین سوی بآنسوی در کندوکاو هستند .

درپای یکی از این تپه‌ها که تکیه برکوه دارد برشی بمنظور احداث کارخانه برق زده شده و سه طبقه قبور دوران اسلامی را بررویهم دریك‌عمق شش متری نشان میدهد استقرار و تراکم قبور اسلامی بر رویهم نمایش یکدوران طولانی زندگی وحیات ازاوایل اسلام تا قرن هفتم هجری دراین منطقه میباشد . سنگ مزارات منقوشی از گل و گیاه و نوشته‌های کوفی و نقوش آلات وابزار حرب از قبیل تیرو کمان و اسب وسوارکار اینجا وآنجا ، درپای‌چشمه ، پل ، پله‌دکان و آستانه‌مسجدپراکنده است واین‌سنگ مزارات بیشتر مربرط بقرون دوم وسوم هجری‌است که ازاین ناحیه تادهکده **صاحب دیوان** وبنوشته وقول‌صاحب نزهةالقلوب‌همان «**بهلقان**» ویا**بیلقان**[٢٣] درکنار قره سوو در حوزه مشگین غربی بخش و **پلا**است. برسنگ یکی‌از مزارات ناحیه اخیر عبارت « هذا مرقد المرحوم امیر احمدبن محمدفی تاریخ ثلاث سبعین مائه»[٢٤] رقم‌خورده‌است. این‌آثار پراکنده موجود، گواه صادقی‌است که روزگاری تلاطم وجنبش دراین ناحیه درجریان بوده‌است.

نسب ومذهب بابك و خرم دینان.

مؤلف **مجمل التواریخ والقصص**، اصل بابك را از**مزدك بن بامدادان مؤبد** مؤبدان قباد میداند . **طبری** نیز اورا ازتیره مزدك میداند. **صاحب‌الفهرست** ازقول **واقدبن عمروتمیمی** گوید :

«پدر بابك‌ازمردم مداین‌است‌وکارش روغن‌فروشی‌بوده وبمرزآذربایجان

٢٣ - ؛ (بررسی‌های تاریخی)

٢٤- آقای غلامحسین ساعدی مؤلف «خیاویا مشگین شهر» آنرا خوانده‌است

آمد ودردهکده **بلال آباد** ازبلوك **میمد**[۲۵] اقامت نمود ، و کوزه روغن رابه دوش میکشید ، در آن دهستان دوره گردی میکرد ..... واقد گوید، در کوهستان بذ دومرد قوی زبردستی بودند که کسی بآنها راه نمییافت، و مال ومنال فراوانی داشته و با یکدیگر درسر ریاست و تسلط بر**خرمیان** ساکن آن کوهستان ، درجنگ وستیز بودند ، یکی نامش **جاویدان** پسر **شهرك** و دیگری بکنیه‌اش ، **ابوعمران** ، معروف بود . این دونفر تابستانهارا بجنگ و جدال باهم میگذراندند وزمستان‌ها ریزش برف وبسته‌شدن گردنه‌هامانع از برخوردآنها بود . جاویدان که استاد بابك‌است بادوهزار گوسفند ازجایگاه خود درآمده و **بزنجان** از شهرهای مرزی **قزوین** رفت و گوسفندان خود را فروخته ودرمراجعت بکوهستان‌بذ، دربلوك میمد دچار برف وبوران شده و چون شب هم دررسیده بود راه خود راکج کرده ببلال‌آباد رفت و ازدهبان آنجا منزلی درخواست‌نمود. دهبان برای تحقیر جاویدان، ویرا بخانه مادر بابك که تهی‌دست وفقیر بود جای داد وآن زن جز آتشی که برایشان روشن نمود، چیزدیگری نتوانست فراهم‌سازد. وبابك نیز بخدمت غلامان وچارپایان برخاسته وآنهارا آب داده وجاویدان‌اوراروانه داشت‌تاخوراکی‌وآشامیدنی برایشان وعلف برای چارپایان خریداری نماید ودرگفتگوئی که با او نمود دریافت که هرچند حال و روزگاری تباه وزبانش درفارسی پیچیدگی دارد ، باز بسیار زیرك وباشهامت است.

پس رو بمادرش کرده وگفت من از توانگران کوهستان بذ هستم ومال و منال فراوان دارم وباین پسرت نیازمندم، اورا بمن بگذار تاباخود ببرم و وهرماه پنجاه درهم مواجب اورا برای تو میفرستم ومادربابك رضایت داد»

درمراجعت به بذ جاویدان و ابوعمران طی جنگی با یکدیگر کشته شدند وزن جاویدان‌پیروانش راآواز داد که جاویدان وصیت کرده که روح او بکالبد بابك حلول کرده‌است وهمگان فرمان اوراگردن نهادند .

۲۵ ـ میمد ، نام کوه وشهری در آذربایجان است (معجم‌البلدان) و ناحیه ایست شهره و آبادان و بسیار نعمت و مردم . اهر قصبه میمدست و پادشاهی پسر رواد است (ص ۱۶۰ حدودالعالم نسخه دکترستوده)

درباب‌مذهب بابك‌وخرم‌دینان **سعیدنفیسی** در کتاب‌بابك خرمی میگوید « خرم دین نام عامیست برای پیروان دین تازه‌ای که درقرن دوم هجری در ایران‌آشکار شده‌وشایدبازماندگان **مزدکیان** زمان ساسانیان رادردوره‌های اسلامی بدین نام خوانده باشند که از روزگار **ساسانیان** در نواحی دور افتاده ایران و درکوهستانهای مرکز و مغرب و شمال غربی ایران پنهانی میزیسته اند و در این زمان دین خود را آشکار کرده و شاید اصلاحاتی در روش مزدك کرده باشند وشاید این کلمه تقلیدی با شد از ترکیب «**به‌دین**» که در باره دین **زردشت** میگفته‌اند. » .[۲٦]

کاوش در دژ بذ .

تدارك کاوش هیئت ما بمنظور کشف آثاری از قرون دوم وسوم هجری از این بنا ، در اواسط مرداد ماه با استقرار دو چادر و سکونت ده نفرکارگر حفاری در قله بذ آغاز گردید . جائیکه هوایش همچون اوائل زمستان و متغیر است ووجود قلل وکوهستانهای رفیعش تله‌ایست برای گرفتاری مهی غلیظ وآبدار که از **ارس** و**خزر** برخاسته‌اند . وبهنگامی که مه‌آشکارشود بناچار بایستی آتشی افروخت و در جوار آن گرم شد . کاوش در اطاقهای A و B و C و D که بتالار مرکزی قصرمربوط میشوند انجام گردید . دراطاق C پلکانی از زیر خاك بیرون آمد که بتالار اصلی قصر کشیده شده است . دراطاق D سکوئی در وسط اطاق تعبیه گردیده وپلکانی بطور اریب بسالن مرکزی کشیده شده است . (ر . ك . به نقشه بنای دژ)

دراین محل تکه‌هائی ازآلات و ابزار حرب‌آهنی که مرور دهورآنها را پوشانده بدست‌آمدند. سفالینه‌هائی منقوش ولعابخورده از دل خاکهابیرون آمد که یکدوره استقرار‌را تا اوائل قرن هفتم هجری نمایش میدهند.

تعدادی سکه‌های مسی کشف شدند که پاره‌ای ازآنها بعلت سائیدگی و زنگ فراوان غیرقابل خواندن است ودربین این سکه‌ها بعضی مربوط به

۲٦ ـ ما خوانندگان را دراین مورد بمقالهٔ ممتع آقای عباس پرویز درشماره۱و۲ همین مجله حوالت‌میدهیم (بررسی‌های تاریخی)

اتابکان آذربایجان وهزار اسپیان[۲۷] (قرون ششم‌وهفتم هجری)میباشند .

بررسی و تحقیق در کیفیت ساختمان نشان داد که بخشهای فوقانی بنـا یکبار دستخوش ویرانی شده و تعمیر وساختمان مجدد آن در قرون چهارم و پنجم هجری انجام گردیده است.ساکنان این قرون برای اولین بار در کف بندی اطاقهـا آجر بکار برده‌اند ، چـه در بنـای اصلی جز سنگ مصالح دیگری بکار نرفته است است وعلاوه برکف درتعمیر و مرمت بنا از آجـر استفاده شده است . ولی ساختمان قدیمی آنقدر استوار است وآنچنان ملاط سختی سنگها را به‌یکدیگرپیوند داده است که اگرقرارباشد خرابی حادث شود یك دیوار ازپایه می‌افتد وبندرت‌اجزاءآن‌ازیکدیگرجداشده‌اند. بهمین جهت آجرهائی که دراین قرون بکار برده شده قلیل واندك است. قسمتهـای تعمیرشده و دوباره ساز بعلت خیز و افت کاملاخودرا نشـان میدهند .

بدیهی است سـاکنان جدید که از کلیـه قسمتهای این بنا استفـاده کرده‌اند برروی آثار قبلی مستقرشده ودرنتیجه بیشتر مدارك سلف‌خودرا ازبین برده‌اند. بلحاظ کشف مدارکی ازقرون دوم وسوم هجری،دردو اطاق AوD قسمتی ازکف آجری برداشته شد ودرزیـر آن به‌تنور های متعددی برخورد شد بااحداث گمانه‌های آزمایشی دراطاقهای‌دیگر همین‌نوع‌تنورها درزیر کف آجری آشکار شدند و مسلم گردید بازهم تعداد دیگری ازاین نوع تنورها درتأسیسات دیگر وجود داشته و بدیهی است در محاصره‌هـا و مضایق این کوره‌ها همواره گرم‌بوده‌اند. درجوار دوتنور دراطاق D سفالینه های بسیار زیبائی که بظروف لك‌دار نوع‌نیشابور معروف میباشندبرخورد گردیدواین‌نوع سفالینه‌ها که بشقابها وکاسه‌هائی را القاء میکنند در کناره های‌لبه سوراخهائی دارند که‌سربازان باریسمانی بترك‌اسب خودمی‌بسته‌اند. باکشف این‌نوع سفالینه‌ها وهمچنین مقدار دیگری که مربـوط بقرن سوم هجری است وهمچنین‌شواهدی که‌ازنظرجغرافیائی ومحل‌واقوال‌نویسندگان ومورخان‌تازی‌وپارسی‌دردست‌است‌هیئت‌مابمقصود نائل‌آمد ومسلم گردید که

---

۲۷ ـ هزار اسپیان ؛ (بررسی‌های‌تاریخی)

بنای موصوف «دژ بذ» یکی ازجایگاههای اصلی بابك خرم دین قهرمان ملی و دلاور آذربایجان است که در ۲۰۱ هجری برعلیه سلطه خلفای عباسی قیام و جنبش دامنه داری را هدایت کرد و بارها سپاه عظیم خلفای عرب را بشکست وهزیمت واداشت تابالاخره عباسیان باایجاد نفاق بین او وافشین سردار و قهرمان دیگر ایران باخدعه ونیرنگ وخیانتی عظیم براو دست یافتند ودر ۲۲۳ هجری بوسیله یارانش اورا دستگیر ودربغداد ابتدا بقطع دست و پایش پرداخته و سپس اورا بطرز موحشی کشتند. معروفست بهنگامی که یکی ازدستهایش را قطع کردند بابقایای دست بریده خون بچهره اش میمالید ودرپاسخ معتصم که علت را جویا شده بود گفت: چهره خودرا بخون می آلایم تاپریدگی وزردی رویم را حمل بروحشت وترس نکنند.

پایان

